

چکیده

دین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی و انسان ساز است که قوانین آن برگرفته از سرچشمه وحی با نگرش و دیدگاهی فراگیر که همه حقوق و ویژگی های زن را در نظر گرفته و برای او جایگاه و منزلتی ویژه قائل است. در این مقاله که به شیوه توصیفی کتابخانه ای صورت گرفته است به بررسی تطبیقی حقوق مالی زنان در اسلام و کنوانسیون بین المللی می پردازیم هرچند تردیدی نیست از دیدگاه تکوینی بین زن و مرد تفاوت هایی وجود دارد و همین تفاوت در ویژگی های تکوینی سبب تفاوت در حقوق آنها، تکالیف زن و مرد می شود و به نوعی تعادل که متناسب با منزلت، شأنیت و فطرت آنها است برقرار می باشد. جهانی که در اعلامیه های بین المللی مانند «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» و سند «۲۰۳۰» مورد توجه قرار گرفته است که در حقیقت به دنبال ایجاد نوعی تشابه کامل بین زن و مرد هستند بدون در نظر گرفتن تفاوت های فطری و تکالیف آن دو می باشد و از این طریق الزاماتی را برای دولتها و ملتها ایجاد می کنند. دین مبین اسلام و کتاب آسمانی آن قرآن کریم به عنوان بهترین مصداق مفسر حقوق و تکالیف زن و مرد است در تفسیر آیات قرآن کریم، حقوق مانند حق تکوینی، تشریعی، اقتصادی، سیاسی، علمی، اجتماعی و... را برای زن به عنوان حقوق مسلم بر شمرده شده است در حالی این معاهدات فقط به یکی از ابعاد اشاره می کنند و بُعد جنسیتی او را در نظر می گیرند و قائل به تساوی جنسیتی شده اند و اشتغال زنان را مهم جلوه داده و اشتغال را عامل مهمی برای استقلال و عدم وابستگی زنان به مردان دانسته اند و تعهدات همسری و مادری را تحت تأثیر قرار داده و منزلت زن را به جایگاه شریک جنسی تنزل داده اند به همین سبب در این جوامع طلاق مذمو بودن خود را از دست داده است و به عنوان راهکاری در زندگی افراد متأهل نشان می دهند در حالی آیات قرآن کریم این گونه تعهدات و اعلامیه های بین المللی را در تقابل و تضاد با نیازهای طبیعی زن دانسته و نوعی بی احترامی و ظلم مضاعف به زن و حتی مردان دانسته است و به عنوان تهدیدی برای کانون خانواده و جامعه دانسته شده است. کانون خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی از دیدگاه دین اسلام دارای تقدس و حرمت می باشد که افراد آن باید برای حفظ و بقای به قوانین آن احترام بگذارند و برای رشد آن تلاش نمایند تعهدات بین المللی به عنوان قوانین بشری جایگاه و منزلت زنان را گاه به عنوان شریک جنسی تنزل داده اند حال آنکه طبق آیات الهی، مفاد این اعلامیه ها و اسناد بی نالمللی با نیازهای طبیعی زن در تضاد آشکار بوده و نوعی بی احترامی و ظلم مضاعف به زن و حتی به مرد است که موجب اضمحلال خانواده و جامعه خواهد شد.

کلیدواژه: حقوق زن، کنوانسیون بین المللی، تبعیض و تضاد، حقوق مالی و زن.

^۱: طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه فاطمه معصومه رهنان

مقدمه

خانواده از هنگامه تولد انسان را مانند حریم امنی دربر می گیرد و سبب ایجاد روابط خویشاوندی می شود و از دواج سبب ایجاد حقوق و تکالیفی برای زن و مرد می شود.

قرآن کریم در موضوع آفرینش انسان، شخصیت و... او بحث نموده و در این آیات به هیچ عنوان زن و مرد از یکدیگر جدا و مستقل دانسته نشده است و سرمنشأ و حقیقت آن دو را از یک منبع و حقیقت دانسته و در عین حال برای آنها تفاوت‌هایی از لحاظ روحی، جسمی، شخصیت و جایگاه ارزشمند در نظر گرفته است. قرآن کریم در صدد بازیابی شخصیت حقیقی و جایگاه حقوقی و ارزشی زنان بوده و در این جهت در جامعه بشری به دو مسئله پرداخته است. یکی به اصلاح انحرافات دیدگاه‌های بشری در نحوه تکوین وجودی زن و دیگری برای تحصیل حقوق و تکالیف زن در بسیاری از عرصه‌های و اعطای شخصیت حقوقی به زنان دستوراتی را بیان نموده که به صورت جامع و بدون نقص با ویژگی آینده‌نگری می باشد و خانواده به عنوان یک نهاد اساسی مورد حمایت دین اسلام می باشد که در این نهاد زن و مرد به عنوان تکمیل کننده نقش یکدیگر دانسته شده در خانواده و جامعه و بر نیازها و حقوق متقابل آنها تأکید شده است.

با اینکه نظام‌های نوین حقوق بشری پیدایش و شکل گرفته است که آزادی اساسی برای بشر را به رسمیت شناخته و همچنان حقوق زنان و آزادی‌های آنان به عنوان افراد بشری در سطح بین‌المللی نادیده انگاشته می شود از جمله آن تعرض‌های گسترده و نقض حقوق زنان را در ابعاد سیاسی، حقوقی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی نام برد اسناد بین‌المللی خانواده را به رسمیت نمی‌شناسند و این نهاد را مانعی برای زنان و عدم تساوی آنها با مردان معرفی می‌کنند. آنها بر تساوی زنان با مردان از نظر جنسیتی، شغلی و اجتماعی تأکید نموده و زن در این دیدگاه هویت تکوینی و مادرانه را از دست داده و در حقیقت به مردی تبدیل شده که برای زن بودنش حقوقی قائل نمی‌باشد.

اما دیدگاه اسلام در تقابل این دیدگاه می باشد اسلام با ایجاد زمینه‌های متعدد، زنان را مالک اموالی دانسته است و برای آنان ارث، مهریه، اجرت شیردهی، خدمت در خانه و... قرار داده

است اسلام مانع اشتغال زن نیست و با حفظ شخصیت و حرمت خویش زن می تواند به ایجاد درآمدزایی بپردازد هر چند دین اسلام زن را ملزم اداره خانواده و انفاق بر آنها ننموده است اما در معاهدات بین المللی با نام برابری زن و مرد شخصیت، حرمت، تفاوت های تکوینی و فطری، جسمانی و ... او در نظر گرفته نشده و حتی گاه به آن بی حرمتی نیز شده است و تنها بعد جنسیتی و شغلی زن را لحاظ نموده اند.

حقوق تکوینی و تشریعی زنان

دین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی، با در نظر گرفتن آفرینش انسان و شخصیت وجودی او، کردار و منش بشری را مورد بررسی قرار داده و تفاوت های فیزیکی و روحی، شخصیت و حقوق مستقل و جایگاه ارزشمند وی توجه داشته است و براساس آن به وضع قوانین پرداخته است.

در این سال های اخیر، سازمان های بین المللی زن را محور توجه قرار داده اند و با تشکیل جنبش های متعددی به نام زنان و برای زنان، در گوشه و کنار جهان فعال شده اند که حمایت دانشمندان و نهادهای بین المللی نیز به حمایت از آنان پرداخته است با هدف حمایت و بازسازی موقعیت زنان در زندگی اجتماعی بوده است که حاصل این توجهات، اسناد و معاهداتی بوده که درباره زنان می باشد که از مهمترین آنها می توان به «سند ۲۰۳۰» (مصوب ۲۰۱۵/۰۹/۲۷م مجمع عمومی سازمان ملل متحد) و «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» (۱۹۷۹/۱۲/۱۸م مجمع عمومی سازمان ملل متحد) اشاره نمود که نیازمند باز اندیشی فراوان هستند.

اعلامیه حقوق بشر ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی بیان داشته که: «هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب، با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می باشند.» آنها قائل هستند که قائل شدن به هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت براساس جنسیت است که لازمه آن حقوق مساوی با مردان، در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و ... اثرگذار می باشد.

قرآن کریم خلقت زن و مرد را یکسان دانسته است و می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء، ۴: آیه ۱) «ای مردم! از [مخالفت با فرمان های] پروردگارتان بپرهیزید، آنکه شما را از یک تن آفرید و جفتش را [نیز] از [جنس] او پدید آورد و از آن دو تن، مردان و زنان بسیاری را پراکنده و منتشر ساخت. و از خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید، پروا کنید و از [قطع رابطه با] خویشاوندان بپرهیزید. یقیناً خدا همواره بر شما حافظ و نگهبان است».

و همچنین می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ ۖ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف، ۷: ۱۸۹) «او کسی است که شما را از یک تن آفرید، و همسرش را از او پدید آورد تا در کنارش آرامش یابد؛ پس هنگامی که مرد با زن آمیزش نمود، زن به حملی سبک حامله شد، پس با آن حمل سبک، زندگی را ادامه داد؛ پس چون سنگین بار شد، زن و شوهر پروردگارشان را خواندند که اگر به ما فرزندی تندرست و سالم عطا کنی، مسلماً از سپاس گزاران خواهیم بود».

در تفسیر این دو آیه مفسران شیعه و اهل سنت بیان می دارند که خدا مرد و زن را از یک اصل واحد یعنی حضرت آدم (ع) و حوا آفریده است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۴۷۷). در تفسیر آیه ۱۸۹ سوره اعراف مفسر قرآن کریم محسن قرائتی از جمله مفسران شیعه هستند می نویسند: گوهر وجودی زن و مرد یکی است. «وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» و ازدواج و همسر، عامل آرامش روح و زندگی است و ناآرامی های روانی را برطرف می کند. «لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» نیز اساس زندگی بر انس و الفت است، نه اختلاف و شقاق. «لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» مسائل جنسی را با کنایه بیان کنیم. «تَغَشَّاهَا» آمیزش زن و شوهر باید در پنهانی باشد. «تَغَشَّاهَا» و رشد جنین، تدریجی است، تا زن آمادگی داشته باشد. «خَفِيفًا، أَثْقَلَتْ» تا بار انسان سنگین نشود، متوجه مسئولیت خود نمی شود. «فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا» مشکلات، وسیله ای توجه به خدا و پیدایش حالت روحی و معنوی و آماده نمودن دل و وجدان انسان است. مانند زنان باردار که چون از تقدیر الهی بی خبرند دائم

در اضطراب به سر می‌برند و پذیرای هرگونه موعظه و راهنمایی می‌باشند. پدر و مادر در سرنوشت فرزند، احساس مسئولیت می‌کنند. «دَعَا» انسان فطرتاً میل به بقای نسل و فرزند دارد. «آتیتنا» همچنین فرزند را از خدا بدانیم، نه از وسائل دیگر یا خودمان. «آتیتنا» و آمیزش جنسی تنها برای لذت و شهوت نیست، بلکه برای بقا و دوام نسل صالح است «صالحاً» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۴۱).

تبعیض در حقوق زنان

جایگاه و شخصیت زنان در فرهنگ هر جامعه، نشان دهنده میزان توجه، اهمیت و منزلت زنان در آن جامعه می‌باشد. زیرا زنان به عنوان نیمی از جامعه در رشد و شکوفایی خانواده و جامعه نقش بسزایی دارند. مسئله حقوق و شخصیت زنان با توجه اینکه زنان اغلب در جوامع مختلف بشری از شأن و حقوق واقعی خویش دور مانده اند و در برخی موارد شخصیت و جایگاه انسانی زنان به طور کامل زیرپا گذاشته شده است هرچند توجهاتی نیز به آن شده است و سبب وضع قوانینی از سوی سران حکومتی، زمامداران و اندیشمندان شده است.

کرامت و فطرت زیر بنای حقوق زنان در دین اسلام

اصل و مبنای آفرینش انسانها و اعطای حقوق عادلانه به آنها را بر مبنای حقیقت آدمی و شوون انسانی انسانها با توجه به این نکته که جنسیت نقشی در اعطای حقوق فطری و طبیعی انسانها ندارد.

نظام حقوقی اسلام بر مبنای فطرت پایه گذاری شده است و فطرت در حقیقت همان طبیعت بشری است که دربرگیرنده حقوق اساسی و بنیادین بشر برای تکامل و تعالی مادی و معنوی بشری با هدف سعادت دنیوی و اخروی است (علی پناه و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷۸-۲۶۱). انسانی که از جایگاه رفیع خود، فرو کشیده شد و در مرتبه‌های بس پایینتر از شأن واقعی خود قرار داده شد و از او در رشد و تعالی روح مرد و خانواده، سخنی به میان نیامده و نقشش در به کمال رسیدن معرفت، نادیده گرفته شد. و مسلم آن است که تا شناخت درستی از حقیقت او به دست نیاید، نمیتوان گامی سازنده و ثمربخش در احقاق حقوق از دست رفته اش برداشت از

به تأمین نیازهای خود و خانواده نکرده است در منطق و شرع، جنسیت چه زن و چه مرد به عنوان صنف شناخته می شود نه فصل، هنگامی به عنوان صنف شناخته شد در اصل وجودی و گوهر انسان هیچ دخالتی ندارد در کارهای اجرایی مسئولیت و هزینه مالی با مرد است زیرا مال در دست او است و تأمین کننده روزی و نفقه شناخته می شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۹: ۲۹۱).

در نظام استقلالی (استقلال اموال زوجین) اموال مستقلی برای هر یک از زن و مرد در نظر می گیرند و ازدواج را سبب ایجاد رابطه ی مالی جدیدی بین زوجین نمی داند. در رژیمهای افتراقی و فقط اموال اختصاصی زوجین وجود دارد. در جدایی اموال، هر زوج نه تنها مالک اموال پیش از نکاح خود است، بلکه مالک درآمد و سایر اموالی است که در طول نکاح به دست می آورد. در این دوران، هیچ مالی مشترک نیست و اداره مشترکی هم وجود ندارد، بلکه هریک از زوجین به طور مستقل اموال خود را اداره می کنند (روشن و نعیمی، ۱۳۹۵).

در قانون حاکم بر تعهدات نفقه در کنوانسیون ۲ اکتبر ۱۹۷۳ به نفقه اشاره دارد این کنوانسیون در مورد تعهدات ناشی از رابطه ی خانوادگی، ازدواج یا خویشاوندی از جمله تعهدات نفقه در مورد کودکی که مشروع نیست اعمال می شود و فقط بر تعارض قوانین مربوط به نفقه حاکم است که قاعده های صلاحیت در موضوع نفقه، اعم از تعیین دادگاه صالح یا قانون حاکم، می بایست بر ارتباط و تعلق دعوی نسبت به کشور معین مبتنی باشد که در کنوانسیون سوی محل سکونت عادی طلبکار گرایش یافته و برای تسهیل دریافت نفقه در صورت تغییر در اقامتگاه قانون داخلی اقامتگاه جدید و در صورت عدم دریافت نفقه از مدیون و به منظور حمایت از طلبکار نفقه به ترتیب قانون تابعیت مشترک، قانون داخلی مرجع بازداشت شده اعمال خواهد شد که این عمل موجب ایجاد انعطاف در قواعد حل تعارض می شود و در حقوق ایران با تعیین ضابطه ی ارجاع به قانون محل اقامت خواهان در باب تعارض دادگاه ها با اسناد بین المللی همسویی دارد. واژگان کلیدی: نفقه زوجه، نفقه اقارب، قانون حاکم، دادگاه صالح، تعارض قوانین، اسناد بین المللی. مقدمه نسب صحیح یعنی نسبی که ناشی از نکاح یا شبهه

باشد دارای آثار و لوازمی است که یکی از آثار آن الزام به انفاق نسبت به یکدیگر می باشد(<https://civilica.com/doc/2239201> مشاهده شده ۱۴۰۴/۰۵/۲۰).

در حالی که حقوق اقتصادی زن را اسلام پذیرفته و برای آن قوانینی وضع نموده است اما از نظر اسناد بین المللی، این قوانین اقتصادی اسلام، سد محکمی در برابر نظریه تساوی جنسیتی آنها خواهد بود.

نتایج

مکتب انسان ساز اسلام که قوانین آن از وحی سرچشمه گرفته، با نگرشی فراگیر و با در نظر گرفتن همه حقوق و ویژگیهای زن، منزلت و کرامت والایی را برای او قائل شده است. بدون شک از نظر تکوینی، تفاوت‌های حکیمانه ای میان زن و مرد وجود دارد، اما در عین حال، بین حقوق و تکالیف زن و مرد نوعی تعادل که متناسب با شأن و فطرت هریک از آن دو است، برقرار می باشد.

اسلام، زن را همانند مرد، در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، به عنوان کی عامل فعال و سازنده دانسته و به تناسب شرایط، حقوقی را برای او تعین کرده است. متأسفانه در اسناد بین المللی در دفاع از حقوق زنان، تناسب یاد شده، نیامده است، بلکه براساس تساوی مطلق میان زن و مرد، حقوقی معین شده که بی احترامی و ظلم مضاعف به زن و حتی به مرد است و موجب پیشبرد خانواده و جامعه به سمت اضمحلال خواهد بود. بررسی تطبیقی حقوق مالی زنان در اسلام و کنوانسیون‌های بین‌المللی و قرآن نشان می‌دهد که در حالی که اسلام حقوق مالی مستقلی برای زنان در نظر گرفته و از جمله حق مالکیت، ارث، مهریه و نفقه را برای آنها به رسمیت شناخته، کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز برابری حقوقی زنان و مردان را در حوزه مسائل مالی تأکید دارند و کنوانسیون‌های بین‌المللی برابری جنسیتی را مورد توجه قرار داده اند. با این حال، تفاوت‌هایی در جزئیات و نحوه اجرا و همچنین تفسیر این حقوق در هر دو نظام وجود دارد. به عنوان نمونه در حالی که اسلام حق ارث برای زنان را به رسمیت می‌شناسد، میزان سهم آنها ممکن است با مردان متفاوت باشد. برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی این تفاوت را تبعیض آمیز تلقی می‌کنند.

پسرفت و پیشرفت و بویژه توسعه و رشد، همواره وابسته به مجموعه ای از سببها و علتهاست که می توان آنها را در سه گونه سرمایه بازنمود: سرمایه مادی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی. سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی نسبت به سرمایه مادی، طیف گسترده ای از امور را برمی گیرد، از جمله حیات اجتماعی زنان.

زنان در کنار مردان از حیث استعداد و توانایی سرمایه انسانی را می سازند. اما از نظر قوانین و مقرراتی که ترسیم کننده جایگاه حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی زنان در جامعه انسانی است، سرمایه اجتماعی محسوب می شوند. زیرا سرمایه اجتماعی همانا توانایی جمعی جامعه در استفاده از منابع در جهت مصلحت و خیرعمومی است. و روشن است هر قدر جایگاه و نقش زنان در حیات اجتماعی، به گونه ای عقلانی و عادلانه تنظیم گردد، به همان اندازه بر ظرفیت و توانایی جمعی جامعه در استفاده بهینه از منابع برای خیر همگانی افزوده می شود و میزان همیاری و انسجام اجتماعی توسعه و تقویت می یابد. الگو سازی و هنجارزایی در جامعه، که براساس آنها قوانین و حقوق دینی مربوط به زنان شناخته و تعریف گردد؛ زیرا امروز، در برخی از جوامع اسلامی، شاهد برخی از رفتارها، عادات و دستورهای عرفی و محلی هستیم که در آنها زنان، موجود پست، ناقص، فرودست و در خوشبینانه ترین حالت، تابع نیازهای مردان پنداشته می شوند. و دردناک تر این که به رفتارها و نگرشهای یادشده، رنگ و صبغه دینی - اسلامی داده شده است. از آن جایی که دین، حقیقت و جایگاه فراتر از دولت و تعلقات زبانی، نژادی و خرده فرهنگی دارد و رسالت روحانیت و حوزه بیش تر فکری و فرهنگی است، ظرفیت بالایی در اعتماد بخشی، هنجارزایی در جامعه دارد.

منابع

* قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، تفسیر تسنیم، قم: انتشارات اسراء.

- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۶)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ دهم، انتشارات کتابچی.

- حسینی، سید هادی؛ راسخ، علی احمد؛ نجات؛ حمید(۱۳۸۷)، کتاب زن، زیر نظر محمد حکیمی، تهران: امیرکبیر.
- دورانت، ویل(۱۳۷۳)، لذات فلسفه، مترجم: زریاب، عباس، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سید قطب، ابراهیم بن شاذلی(۱۴۱۲)، فی ظلال القرآن، ترجمه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای(مدظله العالی)، تهران: نشر احسان.
- صابونی، محمد علی(۱۹۹۳)، تفسیر آیات الاحکام من القرآن، حلب: دارالتعلیم العربی.
- صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله(۱۳۷۴)، حقوق خانواده، چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سید محمدحسین(۱۳۶۷)، «ترجمه تفسیر المیزان»، قم: انتشارات رجا.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه، و خسروی، لایلا(۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب: حق مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان. تهران: نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
- علویون، محمدرضا(۱۳۸۱)، کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین المللی کار، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- فخررازی، محمد بن عمر(۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قرائتی، محسن(۱۳۸۳)، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- کاتوزیان، ناصر(۱۳۷۸)، حقوق مدنی خانواده، چاپ پنجم. تهران: انتشارات بهمن برنا.
- کلینی، محمد بن یعقوب(۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- موسوی خمینی، روح الله(۱۳۸۴)، تحریر الوسیله، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

پایان نامه و مقالات

- پورمنوچهری، علی، فارسیان، مریم (۱۳۹۷)، فطرت عقلانی و مرجعیت حقوق زنان، با نگاهی به آموزه های امام خمینی (ره)، چهارمین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه ملی.
- حسنی، محمد (۱۳۸۳)، تفاوت های جنسیتی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۳.
- ربانی، اعظم (۱۳۸۴)، بررسی قاعده اشتراک تکالیف و موارد آن در فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- روشن، محمد، و نعیمی، زکيه (۱۳۹۵)، اصلاح نظام مالی بر روابط زوجین. خانواده پژوهی، ۵۲۳-۵۲۹.
- سلیمانی، منصوره (۱۳۹۰)، اسالم و اشتغال زنان، نشریه پژوهش نامه اسالمی زنان و خانواده، ۸ (۳)، ۱۴۸-۱۱۷.
- عالی پناه، علی رضا؛ صادقی، محمد؛ شفیع زاده خولنجانی، مصطفی (۱۳۹۵)، رابطه الگوهای حقوقی اداره خانواده با حقوق مالی زوجین، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و نهم، شماره دوم، (صص ۲۷۸ - ۲۶۱).
- کنوانسیون تبعیض علیه زنان (با تمرکز بر حقوق یکسان زوجین در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن) دوره ۱۱ و ۲۱.

سایت

<https://civilica.com/doc/2239201> مشاهده شده ۱۴۰۴/۰۵/۲۰ -